**( 195 )**

**هو الله**

ترانی یا الهی متذللا الی عتبة رحمانیتك متضرعا الی ساحة فردانیتك مبتهلا الی سدرة ربوبیتك و الضعف اعترانی و لا اقتدر علی الحركة فی خدمة خیرة خلقك و اصبحت متزعزع الاعضاء مترعرع الاجزاء مرتجف الاركان نحیل المحن و الالام فی سبیلك حتی غدوت قریحا ضعیفا جریحا طریحا علی التراب منتظرا لظهور اثار فضلك و رحمتك مفتقرا الی بروز ایات قدرتك و موهبتك رب ایدنی بقوة من عندك و قدرة من لدنك حتی اتمكن من عبودیتك و عبادتك و استطیع السعی و الجهد طلبا لمرضاتك و خدمة لاحبائك رب قد وهن منی العظم و اشتد الضر و الضعف و زاد الانحلال فلیس لی صون و عون الا فضلك و الطافك و حولك و قوتك رب ادعوك بلسانی و ارجوك بجنانی ان ترسل نفحات قدسك الی ارض ارتفع فیها النداء و اشتهر فیها الاثار و سطع فیها الانوار و انجذب بها الابرار الی ملكوت الاسرار رب تری ان احبائك و اصفیائك و الورقات المبتهلة من امائك فی تلك العدوة القصوی منجذبین الی الملأ الاعلی و مشتعلین بنار محبتك المتاججة بین الضلوع و الاحشاء رب قدر لهم كل خیر قدر فی الملكوت و ادفع عنهم كل ضیر یحدث فی عالم الناسوت و صنهم فی كهف حفظك و حمایتك و احفظهم تحت رعایة اعین رحمانیتك و انصرهم فی جمیع الشؤون و الاحوال و وفقهم علی حصول الامانی و الامال و كن عضدا لهم فی مقاومة اهل الطغیان و ملجا لهم اذا امتدت ایادی الظلم و العدوان رب اجعلهم ازهار حدیقة معرفتك و اثمار شجرة محبتك و طیورا صادحة فی ریاض العرفان و حیتانا سابحة فی غیاض الفضل و الاحسان انك انت الكریم الحلیم العلیم الرحیم الرحمن

ای یاران و اماء رحمن جناب زائر حضرت حكیم و جناب اقا سید اسدالله علیهما بهاء الله الابهی چون ببقعه مباركه رسیدند لسان بستایش جمیع دوستان گشودند هر یك را توصیف بلیغ نمودند و نعت و ثنای عظیم كردند كه الحمد لله كشور منور است و مشامها معطر و یاران در وجد و سرور بی پایان بقسمی كه هر دم مژده و بشارتی و هر نفس را بنفس رحمانی حركت و اشارتی زبانها ناطق است و فیض ابدی مانند سیل دافق هر یك بیان برهان كند و حجت قاطعه اقامه نماید سامعان باهتزاز ارد طالبانرا راه هدی بنماید از این نعت و ستایش جان و دل مشتاقانرا راحت و اسایش حاصل گشت كه الحمد لله زمهریر نقض را در ان ارض تاثیری نه و برد شدید انفاس قوم عنید را در ان اقلیم سطوتی نیست هوای قلوب در نهایت اعتدال است و لمعه نور در نهایت اشتعال اگر چنین است عنقریب نور مبین احاطه نماید و جنود علیین تایید فرماید و در اندك ایامی ان اقلیم جنة النعیم گردد این عبد را مقصد چنان بود كه بهر یكی از یاران نامه‌‌‌ئی منفردا بنگارد ولی هزار افسوس كه فرصت ندارم و بحسرت ایام بسر برم البته یاران الهی معذور دارند زیرا این كلك شكسته پیوسته باید بشرق و غرب مخابره نماید و نامۀ های مهمه را جواب مرقوم دارد و امور را تمشیت و انتظام دهد و در هر نقطه‌‌‌ئی اغنام الهی را شبانی كند و در هر حدود و ثغور هجوم و دفاع روحانی كند ملاحظه فرمائید كه چه قدر مشاغل و غوائل دارد و علیكم و علیكن البهاء الابهی (ع ع)